

متن پرسش

سلام استاد عزیز. من به عنوان شاگرد حقیر شما که البته هیچگاه توفیق حضور در کلاس‌های شما را نداشتم، شبهه‌ای در ذهنم بوجود آمده در مورد نظرات جالب و تعجب‌انگیز از طرف شما! من و خیلی از دوستان دیگر در عرصه سیاست داشتیم در منجلا ب شطرنج هاشمی فرو می‌رفتیم... که به یکباره با فرمایشات شما برخورد کردیم و راه را یافتیم و حامی پدیده‌ای به نام احمدی نژاد شدیم و از او عبرت گرفتیم خلاصه ماهم از دکتر و دولت ایشان به عنوان خاکریز اول ولایت دفاع کردیم تا پای جان!!! هرکسی نقدی می‌کرد به فرمایشات شما رجوع می‌کردیم و می‌فهمیدیم که به فلانی اشتباه کرده حالا فلانی هرکسی می‌خواهد باشد... یادگرفتیم هرکسی حرفش با حرف آقا نمی‌خواند ازش عبور کنیم! بیخشید استاد مجبورم اسم ببرم (قصه توهین نیست یا مقابله نیست...) حضرت علامه مصباح حفظه الله ایشان نظراتی در مورد دولت و دکتر احمدی نژاد داشتند که با کمک شما و فرمایشات حضرت آقا فهمیدیم زیاد اگر نگویم کاملا اشتباست! مثل انحراف، فراماسون، بزرگترین خطر برای اسلام آن هم از صدر تا الان، رمال، مخالف امام خامنه‌ای و ... که تا یک روز می‌شود نام برد!!! خلاصه این همه شبهه را به کمک شما و... جواب دادیم ولی... تعجب و اوج سوال من اینجاست که شما استاد ما معلم فکری ما اخیرا نظراتی گفتید و می‌گویید که ما را متحیر کرده و دقیقا مخالف نظرات راسخ و متیقن شما هستند... و دیگر آن حمایت سراسر عشق شما از دکتر یا به تعبیر خود شما خاکریز رهبر نمی‌بینیم! و کلمات و سخنان شما بویی مثل بوی انتقاد به خود گرفته و حتی مخالفان و منتقدان دولت دکتر محمود را تایید کرده اید کسانی که هر حرفی را به دکتر زدند حتی بیشتر از دشمنان و مخالفان حزبی مثل اصلاح طلبان و... شما فرمودید آن شخص (اسم نمی‌برم ولی کمی پیش اشاره کردم) ایشان همیشه مواضع خوبی داشتند و علت مخالفتشان با دکتر این بود که بع تعبیری دست دکتر را بگیرند تا به انحراف نرود!!! استاد عزیز لطفا، به عنوان شاگرد حقیر تقاضا می‌کنم حرف نهایی و قلبی خود را در مورد پدیده احمدینژاد و مهندس مشایی اعلام کنید تا من و خیلی‌های دیگر از این تحیر خارج شویم... ما بارها عبرت‌های پدیده احمدی نژاد را خوانده ایم ولی قسمت زمان شناسی آن با... نمی‌خواند؟! راستی یک مطلب فراموش شد که استاد چشم خیلی‌ها به تحلیل‌های شماست صحیح یا غلط به هر حال چشمشان به شماست!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می‌کنم بنده و جنابعالی پذیرفته‌ایم بیانگر یک تفکر سیاسی نباشیم و در

هر تاریخ و در هر شرایط متذکر تفکری باشیم که به نور الهی باید در آن شرایط در صحنه باشد و از این جهت هنوز باید خاکریز رهبری و اهداف متعالی ایشان بود و با همان عقلی که متوجه بی‌انصافی‌هایی بودیم که به آقای احمدی‌نژاد روا می‌داشتند در ادامه و به کمک همان عقل وجوه دیگر تاریخ خود را نیز نگاه کنیم و از طرف دیگر نیز غافل نباشیم که فکر می‌کنم در جواب سؤال‌های شماره‌ی ۶۱۴ و ۶۱۳ و ۶۱۰ و ۵۸۶ و ۵۷۹ و ۵۷۳ و ۵۷۱ سعی کردم آن وجوه دیگری را که باید مورد تفکر قرار گیرد مدّ نظر عزیزان قرار دهیم تا با سعه‌ی بیشتری وارد تاریخ جدیدی شویم که اقتضای انقلاب اسلامی است و موجب می‌شود تنها در گذشته و امروز خود زندگی نکنیم و از حضور در آینده باز بمانیم، آن‌طور که اصول‌گرایی سیاسی و حزبی باز ماندند و عملاً گرفتار بی‌تاریخی شدند. بنده امیدوارم دوستان عزیز سعی کنند موضوعات را ماوراء یک نگاه سیاسی محدود بنگرند و حداقل در ابتدای امر با بنده همدلی کنند شاید با این معلم پیر بتوانید قدمی جلوتر بگذارید. و آنچه باید در فضایی دیگر و در تاریخی دیگر به آن نگاه کرد مدّ نظر قرار دهید. می‌فرمایید: حرف نهایی و قلبی خود را در مورد پدیده‌ی احمدی‌نژاد و مهندس مشائی اعلام کنم؛ چگونه بگویم چیزی را که شما باید لابه‌لای سخن بنده به صورت حضوری احساس کنید. بنده شما را دعوت به نگاه وسیع‌تری می‌کنم و نه به اطلاعات بیشتر. اگر کسی به شما بگوید هوای تازه‌ای را که بیرون از چهاردیواری اطاق است به من نشان بده، چکار باید بکنید؟ سخن در این نیست که در آن اطاق هوای قابل تنفس نیست، سخن در آن است که در هوای تازه با وسعت بیشتری از اکسیژن روبه‌روئید. هوشیاری بالاتری نیاز است. سرباز انقلاب اسلامی تنها در وسعتی به وسعت تاریخ کربلا می‌تواند مدافعی پرشور و فداکار و بصیر باشد ولی طرز خدمتگزاری او خیلی پیدا نیست هرچند با شکوه است، با این همه هرچه کار سخت‌تر می‌گردد و هرچه روزگار تیره‌تر می‌گردد و شناخت جبهه‌های خودی از غیر خودی مشکل‌تر، او درخشان‌تر می‌شود. اگر دشمن از هر سو در آید تا قلعه‌ی راز ماندگاری ما که اتحاد در جبهه‌ی خودی‌ها است را فتح کند، ما نیز از هر اسلحه‌ای استفاده می‌کنیم تا او را مثل همیشه ناکام بگذاریم. ما در این عالم چه جایی داریم برویم، جز این‌که در کنار این انقلاب توحیدی باشیم و با رهبری عزیز زندگی کنیم؟ وقتی می‌خواهیم دست از این انقلاب حسینی بر نداریم چگونه می‌توانیم آن‌هایی که دغدغه‌ی حفظ این انقلاب را دارند با خود دوگانه ببینیم؟ نمی‌دانم از عبرت‌های پدیده‌ی احمدی‌نژاد چه برداشت کرده‌اید که چون ابر مرد □ فوق مسائل جزئی انقلاب □ خود را در صحنه نمی‌یابید؟ گفت «دامن مزین آتش را، دست من و دامانت». موفق باشید